

Analysis of the historical evolution of the opinions of the commentators regarding the verse 25 Morsalat

Mahyar Khani Moghaddam^{*}, Ali Asghar Shoaei^{}**

Abstract

The word "infidelity" is mentioned in verse 25 of Surah Al-Mursalat as one of the attributes of the earth. The accuracy of the opinions of the commentators of the Qur'an and its evolution can provide a suitable example of the role of changing the requirements of audience culture in the way of interpretive content. . The present study, with a descriptive-analytical method, has examined the narrations of the Infallibles (AS), the opinions of lexicographers and commentators (from the first century to the contemporary era) and their evolution, which based on the result, despite the earlier interpretations to the fourteenth century interpretations. Hijri, due to the approach of understanding the concerns of the Qur'anic audience, which was mainly concerned with philosophy, theology, literature, jurisprudence, etc., the meaning of the word "infidelity", which was the content of attachment and absorption to the earth with literature on the place of peace and residence. And the provision of human necessities and the burial of the dead. From the fourteenth century onwards, with the translation of Renaissance scientific works into Western civilization and the priority of the experimental sciences, the tendency to explain according to the specialized term of attraction increased among commentators.

* Assistant Professor of Quran and Hadith, University of Guilan (Corresponding Author),
m.khani@guilan.ac.ir

** Faculty of the Holy Quran University of Sciences and Education, shoaei114@yahoo.com

Date received: 04.05.2021, Date of acceptance: 13.09.2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۹۰ پژوهش‌های علم و دین، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

Keywords: Verse 25 of the Messengers, Kafat, Gravity, Scientific Interpretation of the Qur'an.

واکاوی تطور تاریخی آراء مفسران پیرامون واژه «کفاتا» در آیه «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا»

مهیار خانی مقدم*

علی اصغر شعاعی**

چکیده

واژه «کفاتا» در آیه ۲۵ سوره مرسلات به عنوان یکی از صفت‌های زمین مطرح شده که دقت در تطور آراء مفسران پیرامون مفهوم آن، می‌تواند نمونه‌ای از نقش تغییر مقتضیات فرهنگ مخاطبان در نحوه ارائه مطالب تفسیری باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی روایات معصومان(ع)، آراء لغویان و مفسران(از قرن اول تا دوران معاصر) و سیر تطور آنها پرداخته که بر اساس نتیجه آن، برغم آنکه از تفاسیر متقدم تا قرن چهاردهم هجری، به دلیل رویکرد دغدغه‌های تفهیمی مخاطبان قرآن(عمدتاً ناظر به فلسفه، کلام، ادبیات، فقه و...)، معنای «کفاتا» که فحوای ضمیمه و جذب کردن نسبت به زمین بود را با ادبیاتی ناظر به جایگاه آرامش و سکونت و تامین مایحتاج انسان و دفن اموات مطرح کردند، از قرن چهاردهم با ترجمه آثار علمی ناظر به رنسانس در تمدن غرب و اولویت یافتن علوم تجربی، گرایش به توضیح بر اساس اصطلاح «جاذبه زمین» در میان مفسران، فزونی یافت.

کلیدواژه‌ها: آیه ۲۵ مرسلات، کفاتا، جاذبه زمین، تفسیر علمی.

* استادیار قرآن و حدیث دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، m.khani@guilan.ac.ir

** عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، shoaiei114@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲



۱. مقدمه

یکی از تعبیرهایی که قرآن درباره زمین به کار برده، اصطلاح «کفات» بوده که تنها در یک آیه استفاده شده است: «الْمَ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا» (مرسلات/۲۵) از سوی مفسران در ادوار مختلف، آراء مختلفی درباره آن وارد شده تا جایی که برخی از مفسران متأخر، آن را به معنای جاذبه زمین گرفته‌اند (العک، ۱۴۱۶: ۴۶۷؛ صادقی، ۱۳۶۵: ج ۳۴۰/۲۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۵۵/۱)؛ در حالی که عموم مفسران متقدم (مقاتل، ۱۴۲۳: ج ۵۴۵/۴؛ طوسی، بی تا: ج ۲۲۷/۱۰) و برخی از مفسران متأخر (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵۳/۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۴۰۶/۲۵)، اشاره‌ای به این مسأله علمی نکرده و معانی دیگری همانند محل دفن و اجتماع اموات یا خانه زندگان را بیان نموده‌اند.

این نوع متفاوت از برداشت تفسیری می‌تواند این ایده را منتقل نماید که برخی از مسلمانان برای عقب نماندن از سیر پیشرفت علمی جهان، صرفاً مطالب علمی روزآمد را به قرآن منتسب می‌نمایند تا از این طریق بتوانند برتری خود را نمایان سازند و این امور، صرفاً ارتباطی بی‌مبناست. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسشهاست که مفهوم اصلی واژه «کفات» چیست و آراء تفسیری درباره این لفظ در گذر تاریخی، چه سیر یا تطوری داشتند و چه زمینه‌هایی بر این آراء، تاثیرگذار بوده است؟

پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه «کفات» صورت پذیرفته، هرگز به روش تاریخی و تطبیقی نبوده و تطور معنایی این واژه را در تفاسیر در گذر تاریخی بررسی نکرده‌اند. مانند کتاب «جلوه‌های زمین‌شناسی در قرآن کریم» (تألیف یکی از نگارندگان) که به صورت کلی و کوتاه، مطالبی را پیرامون مفهوم «کفات» بیان کرده است. اهتمام نگارندگان بر آن است که به ترتیب تدوین تفاسیر، تطورات نظریات تفسیری در زمینه معنای «کفات» را بررسی و عواملی که باعث چنین تطوری شده، تبیین نمایند.

۲. بررسی لغوی معنای واژه «کفات»

لغت‌دانان برای «کفات» از ریشه «کفت»، معانی متعددی را بیان کرده‌اند: برخی آن را به معنای روی برگرداندن و رجوع گرفته‌اند، پس «کِفَاتُ الْأَرْضِ» یعنی بیرون زمین برای زندگان و درون آن برای اموات، محل رجوع است (فراهیدی، ۱۴۱۲: ج ۳۴۱/۵). برخی، آن را بر جمع

واکاوی تطور تاریخی آراء مفسران پیرامون ... (مهیار خانی مقدم و علی اصغر شعاعی) ۹۳

نمودن و ضمیمه کردن دانسته (جوهری، ۱۴۰۴: ج ۲۶۳/۱) که به معنای فرو رفتن و یا داخل چیزی قرار گرفتن و همچنین به معنای بازگشتن است (ابن فارس، ۱۴۲۰: ج ۱۹۰/۵). برخی، منظور از «کفات» را، پرواز سریع و تند دانسته زیرا حقیقت پرواز، قبضه نمودن بال برای پرواز و راندن با شتاب است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۷۱۳).

معانی دیگری مانند زیر و رو کردن (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ج ۳۳۷/۱)، جمع کردن کودکان و نگاه داشتن آن‌ها در خانه (ابن منظور، ۱۴۱۲: ج ۸۷/۲) و دیگ کوچک یا ظرف (جوهری، ۱۴۰۴: ج ۲۶۳/۱) نیز بیان شده که «کفات بودن زمین» بر اساس معنای «ظرف بودن» یعنی زمین، ظرف روییدنی‌ها و ناروییدنی‌ها و مردگان و زندگان است (طریحی، ۱۴۰۳: ج ۲۱۶/۲). برخی نیز معنای اصلی واژه را «جذب کردن همراه با جمع کردن» دانسته و معتقدند در زمین، جاذبه‌ای است که هر چیزی را به سوی مرکز آن کشیده و برای آن، طبقاتی وجود دارد که به فضای خالی از هوا منتهی می‌شود. با وجود جاذبه در زمین و سایر کرات، حیات وجود دارد و امور معاش، تنظیم می‌شود (مصطفوی، ۱۳۷۰: ج ۷۶/۱۰).

۱.۲ تحلیل آراء لغویان

از مجموع آنچه در بحث لغوی گفته شد معانی ذیل در مورد ماده «کفت» بدست می‌آید: ۱- جذب کردن همراه با جمع شدن؛ ۲- فرو رفتن؛ ۳- جمع کردن، متصل و ضمیمه نمودن؛ ۴- حرکت و پرواز سریع؛ ۵- دگرگونی و تغییر؛ ۶- زیر و رو کردن؛ ۷- دیگ کوچک یا ظرف؛ ۸- گرفتن.

با کمی دقت در معانی یاد شده، معنای اول و سوم به هم نزدیکند و با معنای چهارم لازمه یکدیگرند؛ زیرا حیوانی که پرواز می‌کند، بال‌های خود را جمع می‌نماید و سوارکاری که حیوانی را تند می‌راند، خود را بر پشت حیوان می‌چسباند و بدن خویش را جمع می‌کند. معانی پنجم و ششم نیز بسیار به هم نزدیکند زیرا «دگرگونی» یک چیز با «زیر و رو کردن» آن، هم‌پوشانی دارد. همچنین معنای سوم و هشتم که «متصل و ضمیمه نمودن» با «گرفتن» قرابت معنایی دارد و برای معنای دوم با هفتم نیز از آنجا که ویژگی «ظرف یا دیگ» آن است که وسایل را درون آن قرار داده و «فرو می‌برند»، می‌توان قرابت معنایی قائل شد. با نگاهی کلی به معانی لغوی، به نظر می‌رسد فحوای واژه «کفات» یعنی: اشیایی را در مکان خاصی، جمع و حفظ کردن و فرو بردن و از دگرگونی، حفظ کردن.

۳. روایات اهل بیت (ع) پیرامون مفهوم «کفات»

روایات ذیل آیه ۲۵ سوره مرسلات بدین شرح است:

- ۱- نظر أمير المؤمنين (ع) في رجوعه من صفين الى المقابر فقال: هذه كفات الأموات ای مساکنهم، ثم نظر الى بيوت الكوفة، فقال: هذه كفات الأحياء، ثم تلا قوله: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءً وَ أَمْواتًا» (قمی، ۱۳۶۷: ج ۲/۴۰۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵/۴۸۹)
 - ۲- رُوِيَ عَنْ أمير المؤمنين (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْجَبَّانَةِ فَقَالَ «هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْواتِ تُنْظَرُ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷/۷۶)
 - ۳- عن حماد بن عيسى عن أبي عبد الله (ع) انه نظر الى المقابر فقال: «يا حماد هذه كفات الأموات و نظر الى البيوت فقال: هذه كفات الأحياء ثم تلا هذه الآية: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا» (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۴۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۵/۵۵۹)
 - ۴- عن ابی كهمس عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءً وَ أَمْواتًا» قال: «دفن الشعر و الظفر» (كلینی، ۱۴۰۷: ج ۶/۴۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵/۲۶۹)
- به نظر می‌رسد می‌توان سه معنای «مسکن»، «محل اجتماع» و «محل دفن» را از مجموع روایات مذکور برای مفهوم «کفات» در نظر گرفت.

۴. گزارش آراء مفسران

نمونه‌هایی از برجسته‌ترین آراء مفسران در هر قرن قمری تا زمان معاصر، به شرح ذیل گزارش می‌گردد:

در قرن اول و دوم، واژه «کفات» در عمده تفاسیر، بیانگر سکونت زندگان و تدفین مردگان (مقاتل، ۱۴۲۳: ج ۴/۵۴۵) به منظور حفاظت و مراقبت است (فراء، بی تا/ج ۳/۲۴۴). در قرن سوم و چهارم هم در بیشتر تفاسیر به معنای مسکن (قمی، ۱۳۶۷: ج ۲/۴۰۰) و محافظت کننده از خلق و موضعی برای سکون آنها که مصداقش، منزل بوده، به کار رفته است (سمرقندی، ۱۴۱۴: ج ۳/۵۳۳). بدین رو جمع کردن (ابن قیبه، بی تا، ۴۳۲/۱) و محافظت مورد تاکید بود (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۱۰/۳۳۹۲). اکثر تفاسیر تا قرن چهارم به دلیل اینکه غالباً گرایش به تفسیر روایی محض دارند، با تمرکز بر روایات معصومان و صحابه و تابعان،

واکاوی تطور تاریخی آراء مفسران پیرامون ... (مهیار خانی مقدم و علی اصغر شعاعی) ۹۵

مفاهیمی چون جمع کردن و محافظت و سکونت و تدفین را ارائه داده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۴۵/۲۹).

از قرن پنجم که رویکردهای اجتهادی در تفاسیر گسترش پیدا می‌کند، باز هم معنای «ضمیمه و جمع کردن» نمود بیشتری در تفاسیر دارد (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۱۱۰/۱۰) و تأکید می‌شود که خداوند آنچه بندگان به آن نیاز داشتند را در زمین، ضمیمه‌شان کرده و در اختیارشان نهاده است (طوسی، بی تا: ج ۲۲۸/۱۰). در قرن ششم هم معنای «جمع و ضمیمه کردن» (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۶۷۹/۴؛ میدی، ۱۳۷۱: ج ۳۳۹/۱۰) و «تحویز و محافظت کردن» به عنوان یک ظرف، در غالب تفاسیر به عنوان مفهوم واژه «کفات» مورد تأکید قرار گرفته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶۳۲/۱۰).

البته از میان تفاسیر این قرن، «مفاتیح الغیب» با رویکردی به علوم معاصر خود درصدد تبیین آیه برآمده است: خداوند در این آیه به سه نکته اشاره دارد: نکته اول، ناظر به زمین به عنوان نزدیکترین شی خارجی به انسان بوده و معنای «کفات» شامل ضمیمه و جمع کردن، دقت به عدم نابودی چیزی که درون چیز دیگر قرار داده شده و محکم کردن ریسمان به دور چیزی است. مصادیق آن شامل سکونت انسانهای زنده در منزلهای خود و دفن شدن اموات در قبرهایشان است. همچنین ضمیمه شدن زمین به انسان مانند مادری است که فرزندش به او ضمیمه می‌شود و او سرپرست فرزندش می‌گردد. نکته دوم، منظور از «کفات الأحياء» پوشاندن هر آن چیزی است که حیات خود را از دست می‌دهد و نکته سوم، منظور از «کفات الأحياء»، تامین جامع تمام نیازهای انسان توسط زمین و ساختارهایی است که انسان را از آسیبها حفظ نماید (فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۷۷۲/۳۰-۷۷۳).

در قرن هفتم هم همان تحلیل معنایی وجود دارد و معنای ضمیمه و جمع کردن مورد تأکید عموم مفسران است (شبیانی، ۱۴۱۳: ج ۲۹۵/۵) که بیانگر تأکید آیه بر جمع کردن انسانهای زنده در روی زمین و اموات، درون آن است (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۶۱/۲۰). در قرن هشتم، علاوه بر معنای ضمیمه و جمع کردن (جرجانی، ۱۳۷۷: ج ۲۶۱/۱۰)، معنای پنهان داشتن هم توسط برخی تفاسیر بیان شده (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۸/۳۰۴) و پوشاندن (ثعلبی، ۱۴۱۸: ج ۵۳۸/۵) که در راستای همان معنای دفن کردن است.

در قرن دهم هم معنای جمع و ضمیمه کردن به منظور نگهداری و مراقبت برای معنای کفات آمده است (کاشانی، ۱۴۲۳: ج ۲۹۶/۷) و در تفاسیر روایی اهل سنت هم آراء صحابه را

منعکس کرده‌اند که بر جمع کردن و دفن کردن دلالت دارد. نظر ابن مجاهد هم نقل شده که «تکفت» مرده به معنای دفن آن است تا چیزی از آن دیده نشود و منظور از «تکفت» زنده آن است که اعمال وی در منزلش از دید دیگران پنهان است. معنای پوشانندگی توسط وی مورد تاکید قرار گرفته است (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳۰۴/۶). در تفاسیر روایی شیعه در قرن یازدهم هم بر اساس روایاتی از امام علی (ع) و امام صادق (ع)، دو معنای محل سکونت و محل دفن شدن برای معنای «کفات» مطرح شده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵۵۹/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۲۶۹/۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴۸۹/۵). تفسیر دیگر این قرن نیز بر همان معنای «ظرف» و «مسکن» اشاره دارد (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۶۸۱/۴).

در قرن دوازدهم هم معنای عمومی کفات در تفاسیر شیعه و اهل سنت، ضمیمه کردن و جمع کردن بوده و زمین را مانند ظرفی دانسته که انسان در آن، امکان حرکت و جریان یافتن دارد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۸۶/۱۴) یا مانند مادر که موجودات مرده و زنده را مانند فرزندان خود به خود ضمیمه کرده و می‌چسباند و امورشان را سامان می‌دهد (حق‌ی بروسوی، بی تا: ج ۲۸۶/۱۰). در قرن سیزدهم هم معنای ضمیمه کردن در تفاسیر بیان شده (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۹۳/۱۵؛ شبر، ۱۴۱۲: ج ۵۴۴) تا در روی زمین، زندگان و در درون آن، اموات جمع گردند (شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۴۳۲/۵). حرکت کردن متعهدانه در روی زمین نیز از دیگر معنایی است که تحلیل معنای «کفات» در تفاسیر این قرن یافت می‌شود (مظهری، ۱۴۱۲: ج ۱۶۷/۱۰).

همان معنای متقدم «ضمیمه و جمع کردن» برای واژه «کفات» در برخی تفاسیر قرن چهاردهم تا دوران معاصر نیز ادامه می‌یابد (قاسمی، ۱۴۱۸: ج ۳۸۳/۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶۸/۲۰)، و زمین را مسکن (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۲۳۷/۱۷) و ظرفی برای جمع کردن احیا و اموات معرفی کرده‌اند (الشریف، ۲۰۰۴: ۱۴۰) که مانند مادری، فرزندان را در بر می‌گیرد (طنطاوی، ۱۴۱۲: ج ۳۶۲/۲۴). برخی نیز استدلال کرده‌اند که از این آیه معلوم می‌شود زمین تا قیامت برای زندگان و مردگان کفایت خواهد کرد و نظریه «مالتوس» کشیش انگلیسی و دیگران که می‌گویند: «بشر آن قدر زیاد خواهد شد که زمین کفایت تأمین آنها را نخواهد کرد»، حرف باطلی است (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۲۰/۱۲).

در کنار این مفسران که تنها معنای جمع کردن را پذیرفته‌اند، برخی از مفسران و اندیشمندان، معنای دوم «کفات» را مورد توجه قرار داده‌اند. صاحب تفسیر نمونه، ضمن بیان دو معنی جمع کردن و پرواز سریع برای واژه «کفات»، می‌نویسد:

اگر معنای اول منظور باشد، مفهوم آیه آن است که زمین را وسیله اجتماع انسان‌ها در حال حیات و زیر زمین را مرکز اجتماعشان بعد از مرگ قرار دادیم و اگر معنای دوم منظور باشد، مفهومش این است که زمین دارای پرواز سریع است و این با حرکت انتقالی زمین به دور خورشید که با سرعت زیادی و در هر ثانیه ۲۰ کیلومتر و در هر دقیقه ۱۲۰۰ کیلومتر در مسیر خود به گرد خورشید پیش می‌رود و مردگان و زندگان را با خود به اطراف آن می‌گرداند مناسب است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۸/۱۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۲۵/۴۱۲)

شیخ خالد عبدالرحمان العک، ضمن نتیجه‌گیری جاذبه و حرکت زمین از این آیه، می‌گوید: زمین از حیث سرعت کفات است و در مدار خود حرکت می‌کند و در همان حال ساکنان خود را در حال حیات و مرگ بر پشت خود نگاه می‌دارد (العک، ۱۴۱۶: ۴۶۷-۴۶۶). محمد علی سادات، از نویسندگان معاصر، ضمن بیان این نکته که «کفات»، مصدر و به معنای پرواز سریع پرنده است که پرنده برای حفظ اعتدال خود بال و پرش را جمع می‌کند، می‌گوید: هر وقت مصدر به صورت اسم فاعل بکار برده می‌شود، مبالغه را می‌رساند و در اینجا شدت فوق‌العاده پرواز را نشان می‌دهد و سپس دلالت این آیه بر حرکت زمین و نیروی جاذبه را نتیجه می‌گیرد (سادات، ۱۳۷۵: ۲۶-۲۵). آیت‌الله مصباح، ضمن پذیرش معنی جمع‌آوری و گرفتن و ضمیمه کردن، می‌گوید: «در بین عرب، «کفت الطائر» به معنی به سرعت پریدن پرنده است. با توجه به همین معنا، برخی گفته‌اند این آیه اشاره‌ای به حرکت انتقالی زمین دارد. اما ظاهراً این احتمال از احتمال نخستین ضعیف‌تر است؛ زیرا کفات معنی مصدر دارد. بنابراین معنای آیه چنین می‌شود: زمین سرعت است، نه اینکه سرعت دارد؛ مگر آنکه مصدر را به معنای صفت بگیریم که برخلاف ظاهر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

رضایی اصفهانی، ضمن پذیرش اشاره آیه به حرکت انتقالی زمین، اشکال ادبی آیت الله مصباح (مصدر بودن کفات) را مرتفع دانسته؛ زیرا در مواردی ممکن است مصدر به معنای اسم فاعل باشد؛ همان‌طور که برخی مفسران به آن تصریح کرده‌اند. علاوه بر آن که این

مطلب علمی با سیاق آیه که در مقام شمارش آیات و نعمت‌های الهی است سازگار می‌باشد (رضایی اصفهانی (ب)، ۱۳۸۷: ۹۷). رضایی سپس احتمال اشاره آیه به جمع کردن مردم زنده و مرده در قیامت و اشاره به جاذبه زمین را، و همچنین جمع همه این احتمالات را قبول کرده، اما دلالت آیه بر حرکت وضعی زمین و تغییرات سطحی و مواد را که هیچ‌گونه ارتباطی با معانی لغوی «کفات» ندارد، نپذیرفته است (همان: ۹۸). همین مفسر در جایی دیگر، با پذیرش معانی جمع کردن و ضمیمه کردن چیزی و نیز پرواز سریع پرندگان برای کفات، دو احتمال را در تفسیر آیات یاد شده بیان نموده است: الف) زمین محل جمع آوری مردگان و زندگان است، زمینی که نیازهای انسان را در اختیارش می‌گذارد و آماده دفن مردگان است و عفونت‌های آنان را به خود می‌گیرد. ب) زمین هم‌چون پرنده‌ای با سرعت حرکت می‌کند که این از نشانه‌های قدرت خداست (رضایی اصفهانی (الف)، ۱۳۸۷: ۲۴۴-۲۴۵).

صاحب تفسیر الفرقان، ضمن پذیرش دلالت آیه بر جاذبه زمین، با اشاره به آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا» (ملک/۱۵) می‌نویسد: زمین دورانی بدون «کفات» بود، دیوانه‌وار به این سو و آن سو حرکت می‌کرد، هیچ‌گونه جاذبه‌ای نداشت و سوزان بود و برای زندگی بشر آماده نبود و خداوند متعال آن را به صورت کنونی که در عین حرکت سریع، زندگان و مرده‌ها را بر روی خود نگاه می‌دارد، در آورده است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۹/۳۴۰). حسینی، مراد از «احیاء» را موجودات دارای احساس و مراد از «اموات» را موجودات بدون حس مثل جو و اکسیژن می‌داند که به همراه زمین در حرکتند (حسینی، بی‌تا: ج ۲۹/۳۴۲). نیازمند شیرازی، «کفات» را به معنی دیگ کوچک و اشاره به وجود مواد مذاب داخل زمین می‌داند و حرکت وضعی و انتقالی زمین و سرعت طیران آن در فضا و تغییرات سطحی و عمقی کره خاک و نیروی جاذبه را از معنای لغوی آن استفاده کرده است (نیازمند شیرازی، ۱۳۵۵: ۸۲). اندیشمندانی همچون محمد سامی (محمد علی) (محمد سامی، بی‌تا: ۵۱)، یوسف الحاج احمد (الحاج، ۱۴۲۳: ۲۱۰) و محمد حسن هیتو (هیتو، ۱۴۲۱: ۲۱۲) دلالت آیه را به نیروی جاذبه زمین می‌دانند.

۵. دسته بندی آراء مفسران

به نظر می‌رسد در یک دسته بندی، می‌توان داده‌های پژوهش را بدین شرح بیان داشت:

- ۱- غالب مفسران از زمان متقدم تا دوران معاصر، واژه «کفات» را به معنای جمع کردن و ضمیمه کردن دانسته و مصادیقی چون مسکن و ظرف را برای فهم مصداقی آن بیان نمودند تا محصور بودن ظرف مکانی برای انسان (هم زنده و هم مرده آن) مشخص گردد. برخی، مراد از زنده و مرده در آیه را شامل موجودات دیگر هم می‌دانند.
- ۲- برخی دیگر، منظور از بیان «مسکن بودن زمین» را نشانه آرامش و محل سکونت و مراقبت از انسان می‌دانند.
- ۳- برخی دیگر تاکید دارند که زمین برای رشد انسان و ازدیاد نسل او تا قیامت کفایت می‌کند و هم لوازم لازم برای ادامه حیات وی و هم ظرفیت نگهداری اموات آن تا قیامت را داراست.
- ۴- برخی نیز در قرن چهاردهم و عمدتاً پانزدهم قمری، هم معنای اول «کفات» مبنی بر ضمیمه کردن و هم معنای دوم «کفات» که حرکت سریع پرنده است را به معنای حرکت و نیروی گرانش و جاذبه زمین معنا نموده و آن را نشانه دیگری از اعجاز علمی قرآن می‌دانند.

۶. تحلیل آراء مفسران

برای فهم معنای صحیح «کفات» در آیه مذکور، باید به چند نکته مهم عنایت داشت:

- ۱- خداوند در آیات سیاق پیشین، نعمت‌های خود برای انسان را بر می‌شمرد و توجه او را به جایگاه خلقتش در رحم به عنوان قرارگاهی محفوظ و آماده، جلب می‌نماید: «فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ» (مرسلات/۲۱)؛ این نکته تائیدی برای نظر مفسران در عنایت به مفهوم منزلگاه حفاظت و مراقبت از انسان پیرامون مفهوم «کفات» است. با توجه به آیه بعد «أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتٌ» (مرسلات/۲۶) نیز مناسب‌تر است «کفات» به معنای منزلگاه و ظرفی برای انسان‌های مرده و زنده در نظر گرفته شود و این مفهوم مورد تاکید روایات ذیل آیه است. البته که می‌توان بطور ضمنی به این نکته دست یافت که همان گونه که جنین در رحم مادر از آسیب‌های احتمالی تحرک‌های مادر محفوظ است، انسان نیز با کمک جاذبه زمین می‌تواند از آسیب‌های احتمالی تحرک‌های زمین محفوظ بماند.

۲- در روایات معصومان(ع) هم واژه «کفات» به معنای منزلگاه و جایگاه به کار رفته و احتمالاً تأکیدی که به دفن فضولات انسانی در ذیل آیه شده، ناظر به ادامه حیات انسانی و مراقبت از وی از عفونتها و بیماری هاست.

۳- به رغم آنکه برخی لغت شناسان متقدم با استناد به اشعار عرب(به عنوان نمونه: کرام حین تنکفت الأفاعی /إلی أحجارهن من الصقیع) معنای ضمیمه و جمع کردن را برای کفات بیان کرده‌اند، راغب اصفهانی به عنوان یک لغت شناس قرآنی در قرن ششم هجری قمری، معنای «پرواز سریع» را هم برای آن مطرح کرده و به آیه دیگری(ملک/۱۹) استناد کرده است. این معنا در بردارنده جمع کردن است زیرا پرنده تنها در صورت ضمیمه کردن دو بالش می‌تواند سرعت و دقت خود را در مسیر حرکت، حفظ نماید. پس جمع و جذب کردن لازمه مفهومی «کفات» است و از آنجا که جاذبه زمین هم ناظر به ضمیمه کردن انسان به زمین و در نتیجه حفاظت از ادامه حیات موجودات و انسان هاست، از نظر لغوی، هم راستاست.

۴- به نظر می‌رسد دلالت آیه بر حرکت زمین، ناظر بر دو مسئله است: الف) ثابت شود «کفات» در لغت به معنای حرکت و جابجایی است که همان گونه که پیشتر مطرح شد، دو معنای برجسته‌ی جمع کردن و حرکت سریع برای آن بیان شده است. حتی اگر این واژه منحصرأ معنای اول(جمع کردن) را داشته باشد، می‌توان علاوه بر اشاره به جاذبه زمین، با این توجیه که جمع کردن و حفظ نمودن مردگان و زندگان بر روی زمین به کمک نیروی جاذبه، برای جلوگیری از پرتاب شدن آنها به فضا و در اثر حرکت شدید زمین است، ارتباط آن با حرکت زمین را بیان نمود. با توجه به آیه ۲۶سوره مرسلات نیز به نظر می‌رسد، واژه کفات، تحمل هر دو معنا را داشته باشد و بر حرکت زمین و در عین حال، حفظ و جذب کردن موجودات زنده و مرده بر روی خود دلالت کند.

۵- مفسران متقدم با ادبیات قابل فهم برای مخاطبان خود، نکته هدایتی آیه که ناظر به صفت زمین درباره جایگاه آرامش و تجمیع مجموع انسانها و تامین نیازهای او بود را بیان داشتند اما با ارائه نظریات علوم تجربی بر مبنای اصطلاحات تخصصی چون جاذبه زمین، برخی از مفسران متاخر از این عنصر نیز برای بیان یکی از ابعاد آرامش انسان در زمین، استفاده کرده‌اند.

۷. تبیین عوامل تطور معنای «کفات» در تفاسیر در گذر تاریخ

از زمان عصر نبوی(ص) تا دوران معاصر برای فهم آیات قرآن و مراد کلام الهی، تلاش‌های فراوانی شده است. از عواملی که باعث اختلاف آراء ذیل مفهوم یک لفظ از آیات قرآن شده، اتخاذ شیوه‌های تفسیری متفاوت و اثرپذیری از شرایط محیطی مفسر از جنبه سیاسی، اجتماعی و ... است. از ابتدا بنا بر تمرکز در روایات نبوی(ص)، معصومان و اقوال صحابه و تابعان در فهم و تفسیر آیات بود اما کم کم از قرن چهارم، رویکرد اجتهادی در میان مفسران رونق گرفت و هر مفسر با توجه به علاقه و تخصص علمی خود، قرآن را ناظر به مباحث ادبی یا کلامی یا فقهی یا ... تفسیر کرد و به بیان دلایل آراء گذشتگان و یا نقد و گزینش از میان آنها یا ارائه آراء جدید پرداخت. به نظر می‌رسد برای فهم تغییر نگرش در بیان معنای واژه «کفات»، پاسخ به چهار سؤال رهگشا باشد:

۱- از چه زمانی گرایش به ارائه جنبه علمی از مفهوم واژه «کفات» که ناظر به جاذبه و حرکت زمین بود، رونق گرفت؟

پیش از پاسخ به این سؤال باید متذکر شد که از حدود قرن دوم هجری قمری و با ترجمه آثار یونانی به عربی (Gutas, 1999: 20)، توجه به نکات علمی مانند مباحث فیزیکی و نجومی در میان برخی از مسلمانان آغاز شد که بر هم ریختن نظریه رایج هیئت بطلمیوسی توسط ابن سینا، نمونه ای از آن است (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۲۵۶). از حدود قرن ششم هجری، بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد یا می‌توان علوم مختلف را، از قرآن کریم استخراج کرد (غزالی، ۱۴۰۶: ۳۴-۲۱). این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن‌ها، ادامه داشت تا دوره سوم از تفسیر علمی که موجب اوج‌گیری و رشد فوق‌العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن ۱۸ میلادی به بعد علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد.

همانطور که در بخش پیشین اشاره گردید، از قرون متقدم تا چهاردهم هجری قمری، چندان تحول چشمگیری در بیان مفهوم واژه «کفات» ملاحظه نگردید و تنها تفاوت در مصادیق مشاهده می‌شد تا اینکه با رنسانس و توسعه علوم جدید که مظاهر آن در سرزمین‌های اروپایی، موجب تغییر نگرش و سبک زندگی انسانها شد، گرایشهای علمی در تفاسیر هم رونق گرفت. در واقع قرن هفدهم میلادی (قرن یازدهم قمری) دوره آنچنان تحول سریع

در جهان‌بینی بشر بود که به درستی می‌توان از تولد علم جدید در این قرن نبوغ پرور سخن گفت. دو نقطه عطف مهم در پیشرفت علم جدید، نخست مفاوضات (۱۶۳۲م) گالیله و دیگر اصول (۱۶۸۷م) نیوتون بود (باربور، ۱۳۹۴: ۱۷). با توجه به اینکه قبل از رنسانس، منازعه دستگاه کلیسا و پاپ با علم و تفکر - نه علم به اصطلاح امروزی آن (علم تجربی) بلکه مطلق تفکر مستقل و اندیشه آزاد - مشهود بود و برخورد قهرآمیز با اندیشمندانی چون گالیله و ادا کردن به نوشتن اعتراف علیه عقاید علمی راستین خود (Weidhorn, 205:155) معروف است، بعد از رنسانس، نوعی افراط و علم زدگی، آن هم با تاکید بر علوم تجربی در فرهنگ غربی قابل مشاهده است که نشانه پیشرفت و تمدن را غالباً، صرف پایبندی کامل به آموزه - های علوم تجربی بیان می‌داشت. بدین رو، علم به جای اینکه ابزار پیشرفت بشر باشد، هدف پیشرفت وی قرار گرفت.

در مقابل، به دلایلی مانند استعمار کشورهای مسلمان توسط کشورهای غربی، حکمرانان ناهل مسلمان و فاصله گرفتن مسلمانان از روحیه مومنانه سده‌های پیشین، عقب ماندگی در میان جوامع اسلامی نمود یافت و این عامل موجب شد تا برخی از عالمان مسلمان با ادعای خارج ساختن مسلمانان از حقارت که نتیجه دوری از علم بود (طنطاوی، ۱۴۱۲: ج ۱/۳۵-۳۶)، نشان دادن رابطه علم و دین، اثبات تفوق قرآن در ارائه نظریات علمی از سالهای متمادی پیشین و حتی پیشگیری از جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی، نظریات جدید علمی را بر آیات قرآن منطبق نمایند.

۲- دلیل رونق گرایش مفسران معاصر به پرداختن به مفهوم جاذبه و حرکت زمین برای واژه «کفات» چه بود؟

از جمله کشفیات جدید علوم، کشف نیروی جاذبه زمین توسط نیوتن در قرن یازدهم قمری (۱۶۸۷ میلادی) بود که بیانگر نیروی تمایل دهنده به سوی زمین است (Chandrasekhar, 2003, 1). نیوتن، جاذبه را در قالب سه قانون برای حرکت، تبیین کرد: الف) هر جسم که در حال سکون یا حرکت یکنواخت در امتداد خط مستقیم قرار داشته باشد، به همان حالت باقی می‌ماند مگر آنکه در اثر نیروهای خارجی، ناگزیر به تغییر آن حالت شود. ب) شتاب وارد بر یک جسم، متناسب با نیروی وارد بر آن جسم است و نسبت عکس با جرم آن را دارد. ج) برای هر کنش، همواره یک واکنش مساوی و مخالف وجود دارد یا کنش متقابل دو جسم بر هم مساوی و در جهت مخالف یکدیگرند (رزنیک،

واکاوی تطور تاریخی آراء مفسران پیرامون ... (مهیار خانی مقدم و علی اصغر شعاعی) ۱۰۳

هالیدی، ۱۳۷۷: ج ۱/۸۴). بحث جاذبه و قوانین نیوتن به دلیل نقش مهم در زندگی روزمره بشر، بسیار مورد توجه قرار گرفت و نمود آن در آراء مفسران ذیل آیاتی مانند ۲۵ سوره مرسلات، برجسته شد.

۳- آیا پیش از این، علم مسلمانان در زمینه جنبه‌های علمی مورد اشاره (جاذبه، حرکت زمین و ...)، دستاوردهایی داشت؟

باید توجه داشت در حالی که اروپای مسیحی در عصر به اصطلاح ظلمت بوده و علم و فرهنگ آن رو به زوال بود، تمدن درخشان اسلام در این عصر از هندوستان تا اسپانیا شکوفا شده بود (راسل، ۱۳۶۵: ج ۲/۱۷۶). جالب آنکه آثار مسلمانان پیرامون مباحث علمی از جمله همین مباحث نجوم، ریاضیات و اسطرلاب، در قرون اولیه از طریق اندلس وارد فضای مطالعاتی اروپاییان شد، مانند نظریه حرکت بطروجی که در مقابل نظریه هیأت بطلمیوسی - نظر رایج و بلامنزاع آن زمان - و برای تصحیح آرای بطلمیوس ارائه شد (Hitti, 1970: 572) و به طور غیرمستقیم دانشمندان اروپایی چون کوپرنیک، کپلر و گالیله را در مورد دگرگون ساختن سنت بطلمیوس یاری داد.

در خصوص جاذبه و قوانین نیوتن هم، ابوریحان بیرونی در قرن چهارم هجری قمری (۷ قرن پیش از نیوتن) معتقد بود اشیاء به طرف مرکز زمین جذب می‌شوند (دورانت، ۱۳۷۳: ج ۳/۳۱۳/۴)؛ قانون اول نیوتن را ابن سینا در قرن چهارم قمری بیان داشته است: «أَنَّكَ لَتَعْلَمُ الْجِسْمَ إِذَا خَلَى وَ طَبَاعِهِ وَ لَمْ يَعْضْ لَهُ مِنْ الْخَارِجِ تَأْثِيرَ غَرِيبٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ بُدٌّ مِنْ مَوْضِعٍ مُعَيَّنٍ وَ شَكْلٍ مُعَيَّنٍ مِنْ طَبَاعِهِ مَبْدَأِ اسْتِجَابٍ ذَلِكَ» (ابن سینا، ۱۴۰۳: ۲۹۸/۱) «همانگونه که می‌دانید هر جسم در طبع و حالت خاصی می‌باشد و از این حالت خارج نمی‌شود مگر اینکه یک عامل خارجی بر روی آن تأثیر بگذارد». قانون دوم نیوتن را هم فخررازی در قرن ششم اشاره نموده است: «فَإِنَّ الْجَسْمِينَ لَوْ اِخْتَلَفَا فِي قَبُولِ الْحَرَكَةِ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لِاِخْتِلَافِ سَبَبِ الْمُتَحَرِّكِ، بَلْ بِسَبَبِ اِخْتِلَافِ حَالِ الْقُوَّةِ الْمُحَرِّكَةِ فَإِنَّ الْقُوَّةَ فِي الْجِسْمِ الْكَبِيرِ، أَكْثَرُ مِمَّا فِي الْاَصْغَرِ فَهُوَ مَوْجُودٌ فِي اكْبَرٍ مَعَ زِيَادَةِ» (فخررازی، ۱۳۸۷: ج ۱/۲۸۵) «اختلاف حرکت در دو جسم به دلیل خود شی نیست بلکه به علت مقدار نیرویی است که بر آنها وارد می‌شود، مقدار انرژی جسم بزرگ در حال حرکت نسبت به جسم کوچکتر، بیشتر است.» قانون سوم نیوتن را هم می‌توان از کلام فخررازی و ابن هبه الله بغدادی (قرن پنجم قمری) مشاهده کرد: «أَنَّ الْحَلْقَةَ الْمُتَجَاذِبَةَ بَيْنَ الْمَصَارِعِينَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْمُتَجَاذِبِينَ فِي جَذَبَتِهَا وَ قُوَّةِ مُقَاوَمَةِ لِقُوتِ

الآخر» (بغدادی، ۱۳۷۳: ج ۱۰۰/۲) «حلقه جذب کننده و دفع کننده میان دو شی، برای هر دو اثر متقابل است (کنش و واکنش).»

۴- با وجود تلاش‌های علمی مسلمانان در خصوص مباحثی مانند جاذبه، چرا ذیل آیه ۲۵ سوره مرسلات بازخورد و اشاره‌ای در میان آراء مفسران مشاهده نمی‌شود؟
تردیدی نمی‌توان داشت که مفسران قرآن برای ارائه مطالب خود به فضای علمی جامعه و گرایش فکری مخاطب و دغدغه‌های او توجه ویژه‌ای داشته‌اند و همواره فضای فکری جامعه بر اساس مقتضیات سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است. توقعی که از مفسران از عصر پیامبر (ص) درباره قرآن وجود داشت، بیان نکات هدایتی بوده که قالب‌های فلسفی (اثبات خالق هستی و ...)، کلامی (اثبات اصول عقاید)، فقهی (دستیابی به احکام شرعی)، ادبی (فهم زیبایی شناختی) و ... آن را پوشش می‌دادند و جنبه‌های خاص علمی (به معنای علوم تجربی) مورد توجه غالب مردم در مواجهه با قرآن قرار نداشت و اساساً نگاه صرفاً ابزاری به آن وجود داشت.

برخی از آیات قرآن، متضمن آیات دشوار بود که در قرون گذشته معنایشان مبهم بوده و صحابه تنها در حد معنای ظاهری‌شان آنها را درمی‌یافتند ولی امروزه ابهام آنها برطرف شده و در پرتو علوم جدید حقیقت آنها آشکار گشته است؛ به‌مانند آیات ناظر به تطور جنین (العک، ۱۴۰۶: ۲۲۱). با ترجمه آثار متعدد علمی بعد از رنسانس در میان مسلمانان و نمودیافتگی پیشرفت‌های ظاهری تمدن غربی، بُعد علمی ناظر به مباحث تجربی نیز مورد عنایت برخی از مفسران قرار گرفت که می‌توان آن را از دستاوردهای تجدید فکر دینی در دوره معاصر دانست هرچند که گاه به افراط انجامید.

بحث جاذبه در آیات دیگر به ویژه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَعِيْرَ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا» (لقمان/۱۰) و «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بَعِيْرَ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا» (رعد/۲) به صورت برجسته‌ای مطرح شده اما در برجسته‌ترین تفسیر متقدم (قرن ششم هجری) ناظر به مباحث علمی مرتبط که مفاتیح الغیب است، بحث تخصصی پیرامون جاذبه مطرح نمی‌شود و صرفاً اشاره دارد که منظور از ستونها (عمد ترونها) همان اراده و قدرت خداست که دیدنی نیست و هر چیز را در جای خودش نگه می‌دارد (فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۱۱۷/۲۵)

پس به رغم آنکه مفسران قرآن ذیل این آیه و آیات دیگری چون آیه ۲ سوره مبارکه رعد و آیه ۱۰ سوره لقمان، تعبیری ناظر به تحلیل روایات معصومان (ع) و آراء لغویان و صحابه

واکاوی تطور تاریخی آراء مفسران پیرامون ... (مهیار خانی مقدم و علی اصغر شعاعی) ۱۰۵

مطرح کرده‌اند که می‌توان آن را با اصطلاح تخصصی جاذبه و برخی قوانین فیزیک معاصر تطبیق داد، اما به دلیل تفاوت دغدغه‌های مخاطبان، هیچ تصریحی ننموده‌اند و به صرف بیان نکات هدایتی آیات مذکور، اکتفا شده است.

۸. نتیجه‌گیری

برآیند مطالب مطرح شده در این پژوهش را می‌توان ناظر به پرسش‌های آن، ارائه کرد:

۱- واژه کفات در لغت به معنای جمع و جذب کردن است که بررسی مولفه‌های مفهومی مصادیق آن در بیان لغت‌شناسان، این فحوا را به دست می‌دهد: اشیایی را در مکان خاصی، جمع و حفظ کردن و فرو بردن و از دگرگونی، حفظ کردن. در روایات، کفات بودن زمین یعنی زمین مانند ظرفی برای جمع کردن زندگان و جذب و پوشاندن مردگان، موجب اسکان و آرامش انسان هم می‌شود.

۲- آرای مفسران درباره مفهوم «کفات» در گذر تاریخ تحت شرایط فرهنگی متفاوت، تحول پیدا کرد. این تحول تا قرن سیزدهم چندان زیاد نبود و صرفاً در تفاوت مصادیقی چون جایگاه، محل اسکان و تامین مایحتاج بود اما از قرن چهاردهم به بعد، مفسران معتنا بهی مفهوم آیه را ناظر به حرکت زمین و نیروی جاذبه آن تبیین کردند که برپایه همان مفهوم جمع و جذب کردن بود و آرامشی که در مفهوم اسکان بود، با تکیه بر نیروی جاذبه و مصون داشتن انسان از خطرات جایجایی‌های مختلف زمین، معنا پیدا می‌کرد.

۳- به رغم اینکه مسلمانان هفت قرن پیش از کشف جاذبه در غرب، قوانین آن را بیان داشته‌اند، اما چون این نکته در زندگی مردم کاربردی نشد، در تفاسیر نمود نداشت اما با رنسانس و رشد رغبت و دغدغه عمومی مردم به مباحث علوم به ویژه علوم تجربی و کاربردی تر شدن آنها در عرصه زندگی، آرای مفسران به سمت بیان مفهوم آیه با اصطلاحات تخصصی مانند «جاذبه زمین» سوق پیدا کرد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹ش). *النجاه*. تحقیق: محمدتقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران.

۱۰۶ پژوهش‌های علم و دین، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۵ش). *رسائل ابن سینا فی تفسیر القرآن الکریم*. از کتاب تراث الشیعه القرآنی. قم: مکتبه التفسیر و العلوم القرآن.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۳ق). *الاشارات و التنبيهات*. شرح نصیرالدین طوسی، قم: دفتر نشر کتاب.
- ابن فارس، احمد. (۴۲۰ق). *مقاییس اللغه*. بیروت: نشر دارالکتب اسلامیه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (بی تا). *غریب القرآن*. بیجا: بی نا.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو. (۱۳۶۴ش). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۲ق). *لسان العرب*. بیروت: نشر داراحیاء التراث العربی.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق: علی عبدالباری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- باربور، ایان. (۱۳۹۴). *علم و دین*. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، چاپ نهم، تهران: دفتر نشر دانشگاهی.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- بغدادی، هبه الله بن علی. (۱۳۷۳ش). *المعتبر فی الحکمه*. گردآوری: فتح علی اکبری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: شیخ محمدعلی معوض و شیخ عادل عبدال موجود، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ق). *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*. چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق). *الصحاح اللغه*. بیروت: دارالعلم.
- الحاج، احمد یوسف. (۱۴۲۳ق). *موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن والسنة*. دمشق: دار ابن حجر.
- حسینی، محمد بهاء الدین. (بی تا). *تفسیر فرقان*. بی جا: انتشارات آرس.
- حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.
- خطیب، عبدالکریم. (بی تا). *التفسیر القرآنی للقرآن*. بیروت: دارالفکر العربی.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۳ش). *تاریخ تمدن (عصر ایمان)*، ترجمه: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- راسل، برتراند. (۱۳۶۵ش). *تاریخ فلسفه غرب*. ترجمه نجف دریابندری، چاپ پنجم، بی جا: نشر پرواز.

واکاوی تطوّر تاریخی آراء مفسران پیرامون ... (مهیار خانی مقدم و علی اصغر شعاعی) ۱۰۷

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۶ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بی‌جا: نشر ذوی القربی.
- رزنیک، رابرت، هالیدی، دیوید. (۱۳۷۷ش). *فیزیک*. ترجمه نعمت‌الله گلستان و محمود بهار، چاپ سیزدهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷ش). *تفسیر قرآن مهر(ب)*. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷ش). *اعجاز و شگفتی‌های علمی قرآن(الف)*. چاپ دوم، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). *الکشاف*. بیروت: دارالکتب العربی.
- سادات، محمد علی. (۱۳۷۵ش). *زنه جاوید و اعجاز جاویدان*. بی‌جا: نشر فلق.
- سبزواری نجفی، محمد. (۱۴۱۹ق). *ارشادالاذهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سیدقطب. (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق، قاهره.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). *الدرالمشور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شبر، سید عبدالله. (۱۴۱۲ق). *تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). *تفسیر شریف لاهیجی*. تحقیق: میرجلال الدین حسینی، تهران: نشر داد.
- الشریف، عدنان. (۲۰۰۴م). *من العلوم الارض القرآنیه*. بیروت: نشر دارالعلم للملایین.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). *فتح القدر*. دمشق، بیروت: دار ابن کثیر، دارالکلم الطیب.
- شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*. تحقیق: حسین درگاهی، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: مؤلف.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۹۰ش). *ستارگان از دیدگاه قرآن*. قم: شکرانه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان*. قم، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۰۳ق). *مجمع البحرین*. بی‌جا: موسسه الوفاء.
- طنطاوی، ابن جوهر. (۱۴۱۲ق). *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی
- عروسی حویزی، عبدعلی. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالتقلین*. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- العک، خالد عبدالرحمن (۱۴۱۶ق). *الفرقان و القرآن*. دمشق: الحکمة.
- العک، خالد عبدالرحمن. (۱۴۰۶ق). *اصول التفسیر و قواعدہ*. چاپ دوم. بیروت: دارالتفائل.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۴۰۶ق). *جواهر القرآن*. تحقیق محمد رشید رضا. بیروت: داراحیاء العلوم.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۷). *المباحث الشریعہ فی علم الاهیات و الطبیعیات*، قم: بیدار.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فراء، ابوزکریا (بی تا). *معانی القرآن*. تحقیق: احمد یوسف نجاتی؛ محمد علی نجار؛ عبدالفتاح شلبی، مصر: دارالمصریہ للتألیف و الترجمة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۲ق). *القاموس المحیط*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد. (۱۳۶۸ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تحقیق: حسین درگاهی، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). *اصول کافی*، قم: دارالحدیث.
- محمد سامی، محمد علی. (بی تا). *الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم*. دمشق: نشر دارالمحبه.
- مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.
- مراغی، احمد مصطفی. (۱۹۸۵م). *تفسیر المراغی*. بیروت: نشر داراحیاء التراث العربی.
- مسترحمی، عیسی. (۱۳۸۷ش). *قرآن و کیهان شناسی*. قم: نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸ش). *معارف قرآن (کیهان شناسی)*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن. (۱۳۷۰ش). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- مظہری، محمد ثناء الله. (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظہری*. تحقیق: غلام نبی تونسلی، پاکستان: مکتبه رشدیہ.
- مغنیہ، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتب الإسلامیہ.

واکاوی تطور تاریخی آراء مفسران پیرامون ... (مهیار خانی مقدم و علی اصغر شعاعی) ۱۰۹

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶ش). پیام قرآن. قم: نشر نسل جوان.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مبیدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱ش). کشف الأسرار و عده الأبرار. تحقیق: علی اصغر حکمت، چاپ
پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
نیازمند شیرازی، یدالله. (۱۳۵۵ش). اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی. بی جا: نشر میهن.
هیتو، محمد حسن (۱۴۲۱ق). المعجزة القرآنیة الإعجاز العلمی و الغیبی. چاپ چهارم، بیروت:
موسسه الرساله.

Circumflex Chandrasekhar, Subrahmanyan(2003). Newton's Principia for the common reader. Oxford: Oxford University Press. (pp.1-2)

Dimitri Gutas, (1999) Greek thought, Arabic culture: the Graeco-Arabic translation movement in Baghdad and early Abbasid society, London.

Hitti , Philip K.(1970)(History of the Arabs from the earliest times to the present (MACMILIAN.

Weidhorn, Manfred (2005). The Person of the Millennium: The Unique Impact of Galileo on World History. iUniverse. p.